

جایگاه و نقش

پدر

در تربیت

فرزندان



عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر محسن ایمانی

جایگاه و منزلت پدر و مادر هر دو در خانواده بالا و والاست؛ اما در این نوشتار سخن از اهمیت جایگاه و نقش پدر به میان می‌آوریم، چرا که پیامبر (ص) و علی (ع) هر دو پدران این امت بوده‌اند و رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «انا و علی ابوا هذه الامة»، یعنی من و علی دو پدر این امت هستیم. پس ملاحظه می‌کنیم که پیامبر (ص) و علی (ع) که وصی ایشان است، در مقام پدری امت قرار دارند. بیان ارزشمند خواجه دو عالم، حاکی از اهمیت و منزلت این جایگاه رفیع و منیع است. اما سؤال این است که اینک وضعیت پدران در درون خانواده‌های ما چگونه است؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که جایگاه پدران در خانواده‌های گوناگون، متفاوت است. در این جا به بیان این جایگاه‌های متعدد می‌پردازیم:

۱

جایگاه پدر در خانواده گسترده
در برخی از خانواده‌ها که به آن‌ها خانواده گسترده می‌گویند (وقتی که سه نسل با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنند، به چنین خانواده‌ای گسترده گفته می‌شود)، پدر از جایگاه بالا و والایی برخوردار است. بزرگ‌ترین مرد خانواده که پدر خانواده نیز می‌باشد، بزرگ‌خاندان محسوب می‌شود و در رأس هرم قدرت خانواده قرار دارد. خانواده گسترده، پدر مکانی است و جایگاه و محل

زندگانی خانواده را او معین می‌کند. علاوه بر این، پدر تباری است و فرزندان به اعتبار نام و منزلت وی مطرح می‌شوند، چنان که فردوسی می‌گوید:
نشان از دوکس دارد این نیک‌پی
ز اسفندیار و ز کاووس کی
در خانواده گسترده، سلسله مراتب قدرت عمودی است، لذا فرمان پدری که در رأس خانواده قرار دارد، نافذ است و دیگر اعضای خانواده ملزم به اطاعت از اویند. بنابراین، اگر به لحاظ احترام به بررسی جایگاه پدر پردازیم، درمی‌یابیم که احترام

او بر همه اعضای خانواده، اعم از بزرگ و کوچک واجب است. او چون مسن‌ترین فرد خانواده است، از احترامی فوق‌العاده برخوردار است و لذا همگان خود را ملزم به اطاعت از وی می‌دانند. پیامبر اسلام (ص) نیز در خصوص اهمیت منزلت پیران فرموده‌اند: «جایگاه پیران در خانواده همانند جایگاه پیامبران در میان قوم آنان است.» پس باید پیران را محترم بشماریم، به ویژه در فرهنگی که پیران از موقعیتی ممتاز برخوردارند. به قول حافظ:

پیامبر اسلام (ص)
نیز در خصوص
اهمیت منزلت پیران
فرموده‌اند: «جایگاه
پیران در خانواده
همانند جایگاه
پیامبران در میان
قوم آنان است.»

بنده پیرمغانم که ز جهلم برهاند
 پیر ما هر چه کند عین طریقت باشد
 و عزیزی در وصف امام
 خمینی (قدس سره)، که در
 مقام پدر پیر ملت ما بود، چنین
 سروده است:

از همه پیران ما سر بود پیر
 همچو سلمان و ابوذر بود پیر
 نتیجه آن که در خانواده‌های
 گسترده، پدران پیر معمولاً از
 جایگاهی رفیع برخوردارند.

۲

جایگاه پدر در خانواده هسته‌ای
 در خانواده‌های هسته‌ای،

**مدیریت پدر در خانواده باید به
 گونه‌ای باشد که رضایت اعضای
 خانواده را حاصل کند. به‌طور
 کلی هدف آن است که
 بر دل‌های اعضای
 خانواده مدیریت
 نماید.**

که معمولاً بیش‌تر خانواده‌های
 شهری را این‌گونه خانواده‌ها
 تشکیل می‌دهند. جایگاه و منزلت
 پدران متفاوت و گوناگون بوده،
 در یک پیوستار قرار دارد که در
 این جا برخی از نمونه‌های آن را
 بیان می‌کنیم:

الف (خانواده با نقش معکوس:

خانواده‌هایی که از آن‌ها تحت
 عنوان خانواده با نقش معکوس
 (REVERSED FAMILY) یاد
 می‌کنند، نوعی از خانواده است
 که در آن جایگاه و نقش پدران
 «ضعیف» است، مثلاً می‌بینیم که

پدر عضوی حاشیه‌ای است، نقشی
 فعال در اداره امور خانه ندارد و
 مدیر خانواده در همه امور، مادر
 است. **فینچ (FINCH)** به چنین
 خانواده‌ای، خانواده با نقش
 معکوس می‌گوید. در این
 نوع خانواده‌ها، پسران
 در همانندسازی نقش
 جنسی با پدر دچار
 مشکل می‌شوند و
 آنان پسرنانی ناتوان
 و دارای اعتماد
 به نفس پایین
 می‌باشند. دختران
 چنین خانواده‌هایی
 نیز به دلیل
 رفتارهای مردانه
 مادر، در شکل‌گیری
 هویت جنسی
 (SEXUALIDENTITY)،
 مشکلاتی بر سر راه
 خواهند داشت و با
 فراگیری رفتارهای

مادری مقتدر، که حالتی مردانه
 دارد، مبادرت به یادگیری و
 بروز این رفتارها کرده، در آینده
 در ازدواج با یک مرد دچار
 مشکل خواهند شد، زیرا به دلیل
 داشتن رفتارهای مردانه نخواهند
 توانست با شوهر خود کنار بیایند.
 به قول سعدی: «ده درویش در
 گلیمی بخشبند و دو پادشاه در
 اقلیمی ننگجند» و بدین ترتیب،
 فضای خانواده، سراسر دچار
 دعوا، ناامنی و نابسامانی خواهد
 شد. بنابراین، این نوع خانواده به
 دلیل ضعف نقش پدر، نمی‌تواند
 فرزندان‌اش شایسته تربیت کند.

ب (خانواده با نقش متوسط پدر:

در چنین خانواده‌ای، پدر
 در حالتی میانه قرار دارد و مادر
 و پدر، هر دو، نقشی مشابه و
 هم وزن دارند. در این خانواده،
 مدیریتی دوگانه وجود دارد و
 مردی که علاقه‌مند به مدیریت
 خانواده است، به خوبی قادر
 نیست از عهده ایفای چنین نقشی
 برآید. در چنین خانواده‌ای، گاه
 تصمیم مادر اجرا می‌شود، گاه
 فرمان پدر. یعنی نه دستور پدر
 حالت مطلق دارد و نه اوامر
 مادر، لذا فرزندان نیز دچار
 مشکل می‌شوند و آن‌ها نیز در
 آینده به سختی تن به مدیریتی
 واحد می‌دهند. در این نوع
 خانواده، فرزندان از احساس
 سودجویی و منفعت‌طلبی
 بیش‌تری برخوردار می‌شوند،
 یعنی آن‌جا که نظر مادر به نفع
 آن‌هاست، آن را مهم تلقی کرده،





امر مشاوره پرداخته،

فقط یک مرد مراجع

پرسیده است: ببینید این خانم

کسی هست که من بتوانم به او اتکا کنم؟ البته این مرد دارای مشکل بود.

به هر حال، در آن جایی که مرد فردی شایسته، حق‌نگر، مدیر، مدبر، مهرورز، نیک‌اندیش،

بایمان، تلاشگر، اخلاقی، فداکار

و دوراندیش باشد، می‌تواند مورد

قبول همسر خویش واقع شود

و مدیریت او نیز مورد قبول زن

خواهد بود. چنین مدیری، همسری

موفق نیز خواهد بود. او در امور

خانواده و اداره آن به مشورت با

همسر خویش و فرزندان خود

می‌پردازد و پس از استماع اقوال

آنان برترین آن‌ها را بر می‌گزیند و

به کار می‌بندد. چنان که خداوند

می‌فرماید: «و شاوورهم فی الامور

فان عزمت فتوکل علی الله.» یعنی

ای رسول خدا، در کارها با

مردم مشورت کن و وقتی که

از آن اطاعت می‌کنند. این امر در مورد فرمان پدر نیز مصداق خواهد داشت، یعنی آن جا که فرمانی به مصلحت آن‌ها باشد ولی آن را تشخیص ندهند، تن به اطاعت نمی‌سپارند، زیرا ممکن است آن را سودمند و نافع برای خود نیابند. پس امکان خودسری در فرزندان این‌گونه خانواده‌ها افزایش می‌یابد. هم‌چنین، در این قبیل خانواده‌ها امکان کشمکش بین والدین فزونی می‌گیرد و آرامش از خانواده رخت بر می‌بندد، از این‌رو فرزندان نا آرام تحویل جامعه می‌گردند. در این خانواده‌ها پدران و مادران ناراضی هستند و پدران ناراضی‌ترند و حاصل کارکرد خانواده مطلوب نیست، لذا امکان بروز بزهکاری و جرم در فرزندان این نوع خانواده‌ها افزایش می‌یابد.

ج (خانواده با مدیریت پدر:

در چنین خانواده‌ای منزلت و

جایگاه پدر حفظ می‌شود و تغییر

شکل‌های دیگر خانواده و تبدیل

آن‌ها به این شکل می‌تواند موجب

رشد و تقویت نقش پدر گردد. در

این نوع خانواده هویت جنسی

پسران و دختران، هر دو، به خوبی

شکل می‌گیرد.

نگارنده، معمولاً در هنگام

مشاوره قبل از ازدواج، شاهد آن

بوده است که غالباً دختران سؤال

می‌کنند: آیا به نظر شما این آقا

فردی هست که من بتوانم به او

اتکا کنم؟ ولی در طی سنواتی که به

تصمیم‌گرفتی، بر خداوند توکل کن. پس مدیر باید به رشد و بالندگی همسر و فرزندان خود و نیز خویش‌بینی‌شده. در چنین خانواده‌ای، نقش پدر پررنگ و مؤثر است.

شایان ذکر است که مدیریت

پدر در خانواده باید به گونه‌ای

باشد که رضایت اعضای خانواده

را حاصل کند. به‌طور کلی هدف

آن است که بر دل‌های اعضای

خانواده مدیریت نماید. پس لازم

است که علاوه بر آموختن مدیریت

در خانه و تدبیر منزل، به لحاظ

روان‌شناختی نیز، مدیریت همراه

با محبت و صمیمیت را فرا بگیرد

تا بتواند شخصیتی جذاب برای

دیگران باشد. حال که چنین است

باید ترتیبی اتخاذ شود که نقش

مدیریت سازنده پدران در خانواده

تقویت شود.

خداوند می‌فرماید:

ای رسول خدا،

در کارها با مردم

مشورت کن و

وقتی که تصمیم

گرفتی، بر خداوند

توکل کن.

تقویت نقش پدران در خانواده

به‌طور قطع، پدران مؤثر کسانی‌اند که اعتباری واقعی در خانه دارند و سخنان و فرمان‌های درست و به‌هنگام آنان نافذ است. علاوه بر این، نقشی مهم در خانواده ایفا می‌کنند، به‌نحوی که حضور آنان در خانواده شاخص است و می‌توان به تأثیرگذاری آنان در ارتقای خانواد امیدوار بود. بدین لحاظ پدران باید موارد ذیل را

مدنظر قرار دهند تا بتوانند در ایفای نقش مؤثر و کارآمد، موفق باشند:

۱

تقویت نقش معنوی پدر

به‌طور قطع، تربیت فرزندان معنوی بر قوت نقش پدران می‌افزاید، چرا که وقتی فرزندی اهل دیانت باشد، فرمان خداوند را مهم تلقی می‌کند و چون خداوند به فرمان‌برداری از والدین امر کرده است، او در جهت خلاف فرمان آنان گام برنمی‌دارد و به والدین نیکی می‌کند، چرا که خداوند عزوجل فرموده است: «و بالوالدین احساناً»، یعنی به

پدر و مادر نیکی کنید. بنابراین، فردی که از نیکی فرزندان بهره‌مند می‌شود، از منزلت بالایی برخوردار است و فرزند نیز برای کسب رضایت والدین تلاش کرده، به قول امیر معزی می‌گوید:

رضای مادر و خشنودی پدر جویم که در کتاب خود ایزد مرا چنان فرمود بدین ترتیب، معنویت پدر عامل اعتلای اوست و فرزندان برای چنین پدری ارزش و احترام بیش‌تری قائل‌اند.

۲

تعمیق ارتباط عاطفی با فرزندان

برای رشد هوش عاطفی (EQ) در فرزندان، باید با آنان صمیمی و مهربان بود. شایسته است که پدران این نقش را پررنگ‌تر ایفا کنند. دوست داشته شدن پدر توسط فرزندان، آنگاه اتفاق می‌افتد که او نسبت به فرزندان خویش ابراز محبت کند. بدین ترتیب، او درس دوست داشتن را به فرزندان خود می‌آموزد و سپس از مواهب محبت و مهر آنان بهره‌مند می‌گردد. چنان که در کلیله و دمنه آمده است، چنین گوید برزویه، مقدم طبای پارس: «... اول نعمتی که ایزد تعالی و تقدس بر من تازه گردانید، دوستی پدر و مادر بود و شفقت ایشان بر حال من.» پس، دوستی پدر با فرزندان، دوستی آنان را باوی رقم می‌زند، چنان که باباطاهر می‌گوید:

به‌طور قطع، پدران مؤثر کسانی‌اند که اعتباری واقعی در خانه دارند و سخنان و فرمان‌های درست و به‌هنگام آنان نافذ است



**تأثیر ارتباط‌های
صمیمانه و همراه
با لطف پدران بر
نرون‌های آینه‌
دختران که در
ناحیه فرونتال -
پیشانی - مغز قرار
دارند، بیش‌تر از
تأثیراتی است
که بر پسران
می‌گذارند.**



و آنان را به سوی رفتارهای
شایسته عاطفی سوق می‌دهد.
به بیان دیگر، محصول خانواده
مهربان، جامعه مهربان است
و بالعکس.

پدر باید نیازهای
فرزندان، به ویژه نیازهای
عاطفی دختران را بشناسد
و ضمن داشتن رابطه‌ای
محبت‌آمیز با همگان در
خانواده، محبت ویژه خود را
در حق دختران اعمال کند. لذا
رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

« وقتی که هدیه می‌خرید و به
خانه می‌برید، اول هدیه دختران
را به آن‌ها تقدیم کنید.» این امر
نوعی تقدم عاطفی قائل شدن
برای دختران است و می‌توان
آن را در امور دیگر نیز روا و
جایز شمرد. پس، آغوش پدر
باید به سان مادر همیشه باز و
آکنده از مهر و پذیرای فرزندان
باشد. از این‌رو، عمادالدین
نسیمی در دیوان اشعار خود در
قصیده‌ای چنین می‌سراید:

فتوت‌وار آن باشد که گر طفلی برش آید
به شفقت دربرش گیرد به سان مادر و بابا
به عبارت دیگر، می‌توان
با مهر، درس مهرآموخت و با
دست‌نوازشگر، فرزندان سیراب
از محبت پرورانید. مصاحبت و
نوازش، آثار فراوان بر فرزندان
دارد. لذا دست کشیدن بر سر
یتیمان حسنات بسیار در بردارد.
رسول خدا (ص) می‌فرماید: «
اگر کسی بر سر یتیمی دست
بکشد، به تعداد موهایی که لمس
می‌کند، خداوند برای او حسنه

چه خوش بی‌مهربانی هر دو سرب
که یک سر مهربانی درد سر بی
بنابراین، مهربانی پدر و
ارتباط عاطفی او با فرزندان و
نیز برخورداری او از محبت
ایشان، موجبات قوت، سلامت
و دوام حیات اعضای خانواده را
فراهم می‌کند، و باز در کلیله و
دمنه آمده است: « حکما مادر و
پدر را به منزلت دوستان دانند.»
البته نقش پدر در ارتباط با دختر
حساس‌تر می‌شود، زیرا دختران
عاطفی‌ترند.

پس، پدر باید با دختران
شفقت‌آمیزتر برخورد کند، چرا
که تأثیر ارتباط‌های صمیمانه
و همراه با لطف پدران بر
نرون‌های آینه‌ دختران که در
ناحیه فرونتال - پیشانی - مغز
قرار دارند، بیش‌تر از تأثیراتی
است که بر پسران می‌گذارند.
بنابراین، اگر همه تأثیراتی که ما
به عنوان پدران بر ذهن و مغز
دختران می‌گذاریم، محبت‌آمیز
و عاطفی باشد، به تلطیف
فضای خانواده کمک می‌کند.
از سوی دیگر، دختران، مادران
فردایند و با تربیت فرزندان
شایسته و عاطفی، موجب بروز
آرامش در خانواده می‌گردند
و چون خانواده کوچک‌ترین
سلول اجتماعی است، سلامت
سلول‌ها، سلامت پیکره اجتماع
را رقم می‌زند و بدین ترتیب،
محبت و انسجام بر فضای
جامعه سایه می‌افکند، چرا که
رفتارهای مادران بر سلول‌های
آینه‌ای فرزندان اثر می‌گذارد

در نظر می‌گیرد»، چرا که این
عمل محبت‌آمیز تا حدی جبران
کننده محبت والد از دست رفته
است. سعدی نیز در این باره
می‌گوید:

پدر مرده را سایه بر سرفکن
غبارش بیفشان و خارش بکن
به هر حال، باید زمینه‌ای
فراهم کرد تا پدران به لحاظ
عاطفی قوت بیش‌تری بیابند،
زیرا پدر مهربان با مهرورزی
نسبت به همسر خویش، به او
انرژی عاطفی می‌دهد، او نیز به
فرزندان خویش مهر می‌ورزد و
فرزندان هم در چنین خانواده‌ای
به والدین و به یکدیگر مهر
می‌ورزند. پس، آموختن درس
صلح و صفا و مدارا، کار پدر
است و به قول حزین لاهیجی:
پدر گفتش ای خام بیهوده کوش
اگر پخته‌ای جوشن از صلح پوش
ادامه دارد